

داشت که موضوع حزب کمونیست "مسئله‌ای سیاسی است که باید با وسائل سیاسی حل شود" و از آن‌گاه که پلنوم مذکور قطعنامه‌ای عملاً در همین جهت تصویب کرد ژنرالها چنین لحنی اتخاذ کرده‌اند. بعلاوه سال گذشته دهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان قطعنامه‌ای نظیر این بتصویب رسانید و هنوز مرکب آنها خشک نشده بود که به ژنرالها دستور داده شد نقشه عملیات بمنظور برانداختن منطقه سرزی تنظیم نمایند؛ در ژوئن و ژوئیه گذشته انتقال سپاهیان بمنظور عملیات برق‌آسا بر علیه منطقه سرزی صورت گرفت و فقط بعزت مخالفت افکار عمومی، خواه در داخل و خواه در خارج، بود که این نقشه توطئه گرانه موقتاً کنار گذاشته شد. اینک بار دیگر همینکه یازدهمین پلنوم قطعنامه خود را بر صفحه کاغذ آورد لاف و گزاف ژنرالها شنیده شد و واحدها بحرکت درآمدند. میگویند: "تسخیرین ان مسئله‌ای نیست". این اظهار بچه معنی است؟ بان معنی است که به تسلیم در برابر ژاپن تصمیم گرفته شده است. البته مسلم نیست که آن گومیندانی‌هایی که موافق "تسخیرین ان" اند همگی تسلیم‌طلبان آگه و مصممی باشند. شاید برخی چنین می‌پندارند که در عین بیکار با حزب کمونیست بمقاومت در برابر ژاپن نیز قادر خواهند بود. ظاهراً عده زیادی از افسران گروه جوان هو (۱) اینطور استدلال میکنند. اما ما کمونیستها این سئوالات را در برابر این آقایان مطرح می‌سازیم: آیا تجربه ده سال جنگ داخلی را فراموش کرده‌اید؟ آیا می‌پندارید اگر جنگ داخلی جدیدی برانگیخته شود تسلیم‌طلبان مصمم خواهند گذاشت که شما بازهم در برابر ژاپن مقاومت ورزید؟ آیا ژاپنی‌ها و وان جین وی بشما چنین اسکانی خواهند داد؟ آیا شما آنقدر نیرومند هستید که در

عین حال جنگ داخلی و جنگ بر علیه تجاوزکاران بیگانه را از پیش ببرید ؟ شما مدعی هستید که ارتشی مرکب از سه میلیون نفر در اختیار دارید ، ولی روحیه این ارتش بقدری خراب است که آنرا به سبدهای تخم مرغ که به دو انتهای شان چو آویخته باشد تشبیه میکنند ، يك ضربه که بخورد کارش تمام است . در نبردهائی که در کوههای جون تیاو ، در کوههای تای هان ، در سرزجه جیان و جیان سی ، در مغرب حو به و در کوههای دایبه روی داد همینطور شد . علت آن را باید در سیاست سهلک شما که مبتنی بر " مبارزه فعال بر علیه حزب کمونیست " و " مقاومت غیر فعال در برابر ژاپن " است جستجو کرد . اینک که دشمن ملت عمیقاً در کشور ما نفوذ کرده است هرچه بیشتر بر علیه حزب کمونیست فعال و در برابر ژاپن غیر فعال باشید روحیه سپاهیانتان خرابتر خواهد شد . و شما که در نبرد با تجاوزکاران بیگانه تا این اندازه ناچیز هستید آیا میپندارید که سربازانتان در برابر حزب کمونیست و خلق ناگهان بصورت جنگاوران سهمگینی در خواهند آمد ؟ این غیرممکن است . همینکه شما بجنگ داخلی پیاغازید تمام نیروی خود را بآن مصروف خواهید داشت و " مقاومت همزمان " خود را بدور خواهید افکند و سرانجام با امپریالیسم ژاپن به اعضای تسلیم‌نامه بلاشرط خواهید پرداخت یعنی یگانه سیاستی که در حیظه قدرت شما خواهد بود . ما بتمام اعضای گویندگان که قلباً خواستار چنین تسلیمی نیستند میگوئیم که شما اگر در برانگیختن یا دنبال جنگ داخلی نقش فعال داشته باشید ناگزیر بالاخره بصورت تسلیم‌طلب خواهید افتاد . اگر بدسائس تسلیم‌طلبان تن در دهید و اگر قطعنامه‌های یازدهمین پلنوم و شورای سیاسی ملی را وسیله تجهیز افکار عمومی و تدارك جنگ داخلی بر ضد حزب کمونیست سازید باز مسلماً

بهمین مرنوشت دچار خواهید شد . حتی بفرض اینکه در آغاز قصد تسلیم‌طلبی نداشته باشید هرگاه بدسائس تسلیم‌طلبان تن در دهید و راه غلط برگزینید بالاخره در دنبال آنها به تسلیم‌طلبی خواهید افتاد . اینست نخستین راهی که ممکن است گومیندان پس از یازدهمین پلنوم در پیش گیرد و خطر اینکه باین راه برود بیش از همه است . ” حل سیاسی “ و ” تدارك رژیم مشروطه “ برای تسلیم‌طلبان بهترین وسیله است تا تدارك جنگ داخلی و بعبارت دیگر تدارك تسلیم‌طلبی خویش را بپوشانند . کلیه کمونیست‌ها ، کلیه گومیندانی‌های سیمپن‌پرست ، کلیه احزاب و گروههای ضد ژاپنی و کلیه هم‌سپهان ما که هوادار مقاومت‌اند باید چشم خود را خوب بگشایند و این وضعیت بسیار خطر را دقیقاً دنبال کنند ، بدون آنکه به ریاکاری تسلیم‌طلبان فریفته شوند . بدانیم که خطر جنگ داخلی هرگز اینقدر بزرگ نبوده است که پس از یازدهمین پلنوم گومیندان .

قطعه‌نامه‌های یازدهمین پلنوم و شورای سیاسی ملی ممکن است براه دیگری بینجامد : ” دفع الوقت کردن و جنگ را بعد گذاشتن “ . این راه که تفاوت زیادی با راه تسلیم‌طلبان ندارد بوسیله کسانی تعقیب میشود که میخواهند ظاهر مقاومت در برابر ژاپن را حفظ کنند ولی در عین حال از ترك آنتی کمونیسم و دیکتاتوری بکلی امتناع میورزند . آنها اگر بچنین راهی میروند از آنجهت است که توجه دارند که در وضعیت بین‌المللی تغییرات ناگزیر عظیمی در شرف وقوع است ، شکست امپریالیسم ژاپن حتمی است ، جنگ داخلی بمعنای تسلیم‌طلبی است ، قاطبه خلق با مقاومت موافق است و با جنگ داخلی مخالف ، گومیندان که از توده‌ها بریده شده ، محروم از پشتیبانی خلق و محکوم به انفراد

بی سابقه‌ای است از بحران خطیری میگذرد ، آمریکا ، انگلستان و اتحاد شوروی همه با این امر که جنگ داخلی بوسیله دولت چین برانگیخته شود مخالف‌اند . پس این گویندانی‌ها خود را مجبور می‌بینند که توطئه جنگ داخلی را بتأخیر بیندازند و برای آنکه دفع‌الوقت کنند با وعده‌های توخالی " حل سیاسی " و " تدارك رژیم مشروطه " بازی میکنند . اینان پیوسته در فن فریب و دفع‌الوقت استاد بوده‌اند . اینان حتی در خواب هم داعیه " تسخیرین ان " و " برانداختن حزب کمونیست " را از یاد نمیبرند . از این حیث هیچ تفاوتی با تسلیم‌طلبان ندارند . ولی هنوز خواهان آنند که به مقاومت تظاهر کنند ، نمیخواهند که موقعیت گویندان در جهان از دست برود و گاهی از سرزنش افکار عمومی در خارج و داخل کشور بهراس می‌افتند ؛ پس ممکن است که اینها در زیر ظاهر " حل سیاسی " و " تدارك رژیم مشروطه " بانتظار شرایط بهتر در جستجوی دفع‌الوقت باشند . اینها بهیچوجه صمیمانه مایل نیستند به " حل سیاسی " و استقرار " رژیم مشروطه " برسند یا لااقل عجالتاً باین کار مایل نیستند . سال گذشته در زمان دهمین پلنوم گویندان ، رفیق لین بیائو از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به چون چینگ فرستاده شد تا با آقای چانکایشک ملاقات کند . وی در آنجا ده ماه متمادی اقامت گزید ولی نه آقای چانکایشک و نه کمیته اجرایی مرکزی گویندان نخواستند حتی در يك مسئله مشخص هم با او مذاکره کنند . در مارس اسماں آقای چانکایشک کتاب خود را موسوم به « سرنوشت چین » انتشار داد ؛ وی در آنجا بر روی ضرورت مبارزه با کمونیسم و افکار لیبرال اصرار میورزد ، مسئولیت ده سال جنگ داخلی را بر عهده حزب کمونیست میاندازد ، حزب کمونیست ، ارتش هشتم و ارتش چهارم

جدید را مفتریانه "دیکتاتورهای نظامی نوع جدید" و "تیولداران نوع جدید" مینامد و چنین میفهماند که در عرض دو سال حزب کمونیست را از میان بر خواهد داشت. وی در ۲۸ ژوئن سال جاری گذاشت که جوئن لای و لین یائو و سایر رفقا به یمن آن باز گردند ولی در عین حال بسپاهیان خویش که از رودخانه زرد دفاع میکردند دستور داد که بسوی منطقه مرزی به پیش روند و بمقامات محلی در سراسر کشور دستور داد که از انحلال انترناسیونال سوم استفاده کرده بنام "سازمانهای توده‌ای" خواستار انحلال حزب کمونیست چین شوند. در چنین شرایطی وظیفه ما کمونیستها بود که گومیندان و قاطبه خلق را به جلوگیری از جنگ داخلی فرا خوانیم و مجبور شدیم از دسائس شوم گومیندان که مقاومت را تخریب میکند و کشور را بخطر می‌افکند پرده برگیریم. همانطور که واقعیات تاریخی گواهی میدهد ما نهایت شکیبائی بخرج دادیم. از زمان سقوط اوهان هرگز عملیات بزرگ و کوچک بر علیه حزب کمونیست خواه در چین شمالی و خواه در چین مرکزی قطع نشده است. اینک دو سال از ظهور جنگ در اقیانوس آرام میگذرد و گومیندان در تمام این مدت پیوسته بر حزب کمونیست در چین مرکزی و چین شمالی حمله‌ور گردیده است. وی ارتشهای وان جون لیان ولی سیان جو را به جیان سو و شان دون فرستاد تا بسپاهیان که از سابق در آنجا عملیات بر ضد حزب کمونیست مشغول بودند، بپیوندند. ارتش پان بین سیون در کوههای تای هان و همچنین سپاهیان گومیندان در استانهای آن هوی و حو به دستور یافتند که نیروهای خود را فقط بمبارزه بر ضد حزب کمونیست اختصاص دهند. ما در طی دورانی متمادی حتی از فاش ساختن این واقعیات خودداری ورزیدیم. تمام روزنامه‌ها و

مجلات گومیندان حتی لحظه‌ای نیز از زشت‌گوئی به حزب کمونیست نیا سودند، اما ما تا مدت زیادی يك كلمه هم جواب ندادیم. گومیندان بدون کمترین دلیلی انحلال ارتش چهارم جدید که قهرمانانه به نبرد با تجاوزکاران ژاپنی مشغول بود فرمان داد، بیش از ۳۰۰۰ نفر از افراد واحدهای آن مستقر در آن هوی جنوبی را نابود ساخت، یه تین را دستگیر کرد، سیان بین را بقتل رسانید و صدها نفر از کادرهای آن ارتش را بزندان انداخت. این جنایت فجیعی بود، خیانتی به خلق ما و به ملت ما بود، ولی ما همه اینها را بخاطر مصلحت کشور تحمل کردیم و با اعتراض در نزد گومیندان و مطالبه خسارت اکتفا ورزیدیم. در ژوئن - ژوئیه ۱۹۳۷ در لو شان آقای چانگایشک در ملاقات با رفیق جوئن لای، نماینده حزب کمونیست چین، وعده داده بود که منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بموجب تصویب‌نامه‌ای بعنوان بخش اداری تابع "یوان" مجریه دولت ملی معین خواهد شد و کارسندان منطقه مذکور انتصاب رسمی خواهند یافت. ولی وی نه فقط قول خود را انکار کرد بلکه تا آنجا رفت که ... تا ... سرباز به پیرامون منطقه مرزی فرستاد و آنها در محاصره نظامی و اقتصادی گرفت؛ وی از پای نخواهد نشست مگر اینکه مردم منطقه مرزی را بیای مرگ برساند و ارگانه‌های پشت جبهه ارتش هشتم را از میان بردارد. بعلاوه بر هیچکس پوشیده نیست که دیگر نیازمندیهای ارتش هشتم بوی رسانیده نمیشود و بر هیچکس پوشیده نیست که حزب کمونیست را "حزب خائن"، ارتش چهارم جدید را "ارتش یاغی" و ارتش هشتم را "ارتش خائن" خوانده‌اند. خلاصه گومیندانیها که چنین میکنند حزب کمونیست را دشمن می‌شمارند. حزب کمونیست در نظر آنها

ده بار ، صد بار منفورتر از ژاپنی‌هاست . کینه گویندگان بیش از همه نسبت به حزب کمونیست است و اگر هم چیزی از آن برای ژاپنی‌ها باقی بماند مقدارش بسیار کم است . این روش با روش فاشیستهای ژاپنی که با گویندگان و حزب کمونیست دو رفتار متفاوت دارند مطابق است . فاشیستهای ژاپنی که تمام کینه خویش را به حزب کمونیست اختصاص داده‌اند روز بروز نسبت به گویندگان سهربانتر میشوند ؛ از دو شعاری که آنها اعلام کرده بودند یعنی از "کوئیدن حزب کمونیست" و "برانداختن گویندگان" فقط شعار نخستین باقی است . روزنامه‌ها و مجلات ژاپنی ، همچنین روزنامه‌ها و مجلات وان جین وی دیگر از شعارهایی نظیر "مرده باد گویندگان !" ، " ناپود باد چانکایشک !" نام نمیرند . ژاپن سنگینی ۵۸ در صد نیروهای خود را در چین بر حزب کمونیست انداخته و حال آنکه فقط ۴۲ در صد آنها را بمراقبت گویندگان گماشته‌است و اخیراً برای آنکه وی را به تسلیم برانگیزد در این مراقبت تخفیف داده و سپاهیان بسیاری را از استانهای جه جیان و حو به بیرون کشیده‌است . اسپریالیستهای ژاپنی هرگز جرأت نکرده‌اند کلمه‌ای در جلب حزب کمونیست به تسلیم بر زبان رانند ، ولی هرگز تردید ندارند که سیلی از سخنان بمنظور تشویق گویندگان به تسلیم بجانب وی روان سازند . گویندگان فقط در برابر حزب کمونیست و خلق درندگی دارد ، در برابر ژاپنی‌ها چنگ و دندان نشان نمیدهد . مدتهاست که گویندگان نه فقط با اعمال خودش از صورت شرکت‌کننده در جنگ بصورت تماشاگر جنگ درآمده بلکه حتی در گفتار نیز جرأت ندارد به اسپریالیستهای ژاپنی که او را به تسلیم‌طلبی برمیانگیزند و مورد تحقیر قرار میدهند بوسیله تعاشی کم و بیش جدی جواب گوید .

ژاپنی‌ها می‌گویند: «استدلال چانکایشیک در کتاب «سرنوشت چین» از لحاظ سمت‌گیری کلی بهیچوجه اشتباه‌آمیز نیست.» آیا آقای چانکایشیک و اعضای حزبش هرگز جوابی باین سخنان داده‌اند؟ نه، نداده‌اند و جرأت آنرا ندارند؛ چطور می‌خواهید امپریالیستهای ژاپنی گومیندان را تحقیر نکنند و قتیکه می‌بینند آقای چانکایشیک و حزبش «فرامین نظامی و دولتی» و «انضباط» را فقط در مورد حزب کمونیست به پیش می‌کشند ولی نمی‌خواهند یا جرأت ندارند آنها را در مورد ۲۰ تن از اعضاء کمیته اجرائی مرکزی خویش و ۵۸ ژنرال که بدشمن پیوسته‌اند، به پیش بکشند! خلق چین و ملل دوست در سراسر جهان شاهداند که آقای چانکایشیک و گومیندان فرمان انحلال ارتش چهارم جدید را داده‌اند، به ارتش هشتم حمله‌ور شده‌اند، منطقه مرزی را محاصره کرده‌اند، ما را مفتریانه «حزب خائن»، «ارتش خائن»، «دیکتاتورهای نظامی نوع جدید»، «تیولداران نوع جدید» خوانده‌اند، ما را به «تخریب مقاومت» و «بمخاطره افکندن کشور» متهم ساخته‌اند، پشت سرهم «فرامین نظامی و دولتی» و همچنین «انضباط» را به پیش کشیده‌اند؛ ولی هرگز دیده نشده‌است که يك فرمان نظامی و یا يك فرمان دولتی را در مورد ۲۰ عضو کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و ۵۸ ژنرال گومیندان که بدشمن پیوسته‌اند اجرا کنند و یا باتخاذ تصمیمی انضباطی در باره آنها دست بزنند. قطعنامه‌های یازدهمین پکنوم و شورای سیاسی ملی نیز فقط بر علیه حزب کمونیست توجیه شده‌است؛ هیچیک از آنها متوجه اعضای متعدد کمیته اجرائی مرکزی و ژنرالهای متعدد گومیندان که به میهن خیانت ورزیده و بدشمن پیوسته‌اند، نیست؛ در این صورت خلق چین و ملل دوست در سراسر جهان چطور باید درباره گومیندان فکر



کنند. همانطور که انتظار سیرفت در یازدهمین پنوم مجدداً از "حل سیاسی" و "تدارك رژیم مشروطه" سخن گفته شد. این خیلی خوب است، ما جز اینکه این اظهارات را تهیث بگوئیم کاری نمیتوانیم کرد. ولی اگر درباره اظهارات مذکور بحسب مشی سیاسی گویندان که در طی سالهای متمادی تعقیب شده و میشود قضاوت کنیم، اینها مثنی عبارت است بمنظور فریب افراد تا عملاً به گویندان امکان بدهد برای تدارك جنگ داخلی و جاودان ساختن دیکتاتوری خویش بر خلق دفع الوقت کند. ولی آیا سیر حوادث ممکن است براه سومی بیفتد؟ آری ممکن است و این راهی است که بخشی از اعضای گویندان، قاطبه خلق و ما کمونیستها همگی آرزو داریم. این راه کدام است؟ این راه عبارتست از حل و فصل سیاسی درست و منصفانه مناسبات میان گویندان و حزب کمونیست، استقرار صادقانه رژیم مشروطه واقعاً دموکراتیک و آزاد و برانداختن دیکتاتوری فاشیستی که شعارش عبارتست از "حزب واحد"، دکتین واحد و پیشوای واحد"، دعوت مجلس ملی که واقعاً منتخب خلق باشد در زمان جنگ مقاومت. ما کمونیستها پیوسته هوادار چنین سیاستی بوده ایم. بخشی از اعضای گویندان نیز موافق خواهند شد. حتی تأییدت مدیدی امیدوار بودیم که آقای چانکایشک و گروهش در درون گویندان نیز آنها بکار برند. اما اگر از روی آنچه در سالهای اخیر روی داده و اینک روی میدهد قضاوت کنیم هیچ نشانه ای نیست که آقای چانکایشک و اکثریت گویندانیها که در قدرت اند، چنین نیاتی داشته باشند.

برای آنکه چنین سیاستی بتواند عملی گردد باید شرایط متعددی از لحاظ بین المللی و داخلی فراهم شود. در لحظه کنونی (که فاشیسم در اروپا در آستانه زوال کامل است) شرایط بین المللی برای جنگ مقاومت

در چین مساعد است ، ولی درست در همین لحظه است که تسلیم طلبان بیش از هر وقت برای برانگیختن جنگ داخلی که بآنها اسکان تسلیم بدهد بتلاش افتاده‌اند و ژاپنی‌ها و وان جین وی بیش از هر وقت در صدد برپا کردن چنین جنگی هستند که تسلیم طلبی بیاورد . بموجب خبر خبرگزاری تون مون مورخ ، اکتبر وان جین وی اظهار داشته‌است :  
 ”برادرانی که فداکاراند پیوسته برادر باقی خواهند ماند . یقیناً چون چینگ همان راهی را در پیش خواهد گرفت که ما در پیش گرفته‌ایم . ولی ما امیدواریم این کار هرچه زودتر صورت گیرد .“ چه علاقه‌ای ، چه اطمینانی و در عین حال چه عجله‌ای ! پس بهترین حالتی که میتوان از گومیندان در اوضاع کنونی انتظار داشت اینست که به دفع‌الوقت ادامه دهد ، اما خطر اینکه ناگهان وخاستی در اوضاع پیش‌آید جدی است . شرایطی که برای راه سوم لازم است هنوز فراهم نیامده ، برای آنکه فراهم آید باید میهن پرستان کلیه احزاب و گروههای سیاسی و قاطبه خلق در کلیه زمینه‌ها بکوشش عظیم برخیزند .

آقای چانکایشک در یازدهمین پلنوم چنین اظهار داشته‌است : ”باید این نکته را بدون ابهام اعلام داشت که کمیته اجرایی مرکزی هیچ چیز دیگری از حزب کمونیست نمیخواهد جز اینکه وی از نگهداری تیول خویش بزور اسلحه دست بردارد ، از حملات غافلگیرانه بر ارتش ملی در نقاط مختلف و همچنین از فعالیت‌های تخریبی در کار مقاومت باز ایستد ، اظهاریه خود را که بمناسبت بیست و ششمین سال جمهوری صادر کرده و متضمن دعوت به وحدت کلیه مساعی در راه نجات میهن است بموقع اجرا گذارد و تعهدات چهارگانه‌ای را که در آن اظهاریه بیان شده‌است ، عملی سازد .“

آقای چانکایشک از "حملات غافلگیرانه بر ارتش ملی" و از "فعالیت‌های تخریبی در کار مقاومت" صحبت میدارد، این سخنان بیشتر در مورد گومیندان صادق است و جای تأسف است که آقای چانکایشک بر خلاف هرگونه عدالت و هرگونه وجدان ترجیح میدهد که به حزب کمونیست افترا بزند. گومیندان از زمان سقوط اوهان به سه حمله خونین ضد کمونیستی دست زده که در طی آنها نیروهایش بشهادت واقعیات هر مرتبه به حملات غافلگیرانه بر سپاهیان حزب کمونیست پرداخته‌اند. در نخستین حمله خونین در زمستان ۱۹۳۹ و بهار ۱۹۴۰ نیروهای گومیندان پنج مرکز شهرستان منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا یعنی چون هوا، سیون ای، جن نین، نین سیان و جن یوان را که محل پادگانی واحدهای ارتش هشتم بود با حمله ناگهانی بتصرف درآوردند و حتی هواپیما در عملیات خود بکار بردند. در چین شمالی سپاهیان جو هوای بین به کوههای تای هان فرستاده شدند تا به حمله غافلگیرانه بر علیه نیروهای ارتش هشتم دست بزنند و ارتش هشتم فقط برای دفاع از خود بجنگ پرداخت. دومین حمله خونین در ژانویه ۱۹۴۱ بود. قبلاً در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۰ حه بین چینگ و بای چون سی به جوده، پون ده هوای، یه تین و سیان بین تلگراف زده قاطعانه دستور دادند که کلیه واحدهای ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که در جنوب رودخانه زرد بودند در عرض يك ماه به شمال رودخانه برده شوند. ما پذیرفتیم که واحدهای آن هوی جنوبی را بشمال منتقل سازیم ولی انتقال سایر واحدها عملاً غیرممکن بود. سعدك وعده کردیم که آنها را پس از پیروزی جنگ مقاومت به محلهای تعیین شده برسانیم. اما قبل از اینکه واحدهای ما در آن هوی جنوبی که بیش از ۹۰۰ نفر بودند طبق دستور دریافتی روزه

ژانویه براه بیفتند آقای چانکایشک فرمان داده بود آنها را "با یک ضربه دام بگیرند". عملاً هم سپاهیان گومیندان در آن هوی جنوبی از ۶ تا ۱۴ ژانویه توانستند این واحدهای ارتش چهارم جدید را "با یک ضربه دام بگیرند". روز ۱۷ ژانویه آقای چانکایشک فرمان داد که ارتش چهارم جدید منحل و یه تین محاکمه شود. از آن بعد ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را در پایگاههای ضد ژاپنی چین مرکزی و چین شمالی، در هر جا که سپاهیان گومیندان وجود دارند، مورد حمله غافلگیرانه قرار میدهند و آنها فقط برای دفاع از خود به واکنش میپردازند. سومین حمله خونین در مارس گذشته آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. نیروهای گومیندان از حمله بر ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید در چین مرکزی و چین شمالی باز نایستاده‌اند. بعلاوه، آقای چانکایشک کتاب خود موسوم به «سرنوشت چین» را که ادعای نامهای بر ضد حزب کمونیست و خلق است منتشر ساخته، بمنظور حمله برق‌آسا بر منطقه مرزی بانتقال نیروهای مسلح مهمی که در طول رودخانه زرد در موضع دفاعی قرار داشتند دست زده، "سازمان‌های توده‌ای" کشور را به مطالبه انحلال حزب کمونیست برانگیخته، اعضای گومیندان را که اکثریت شورای سیاسی ملی در دست آنها است، تجهیز نموده تا گزارش نظامی حه بین چینگ را که سرشار از افتراء بر ارتش هشتم است از تصویب شورا بگذرانند و قطعنامه‌های ضد کمونیستی بتصویب برسانند. وی باین طریق شورای سیاسی ملی را که میبایست مظهر وحدت در مقاومت باشد بصورت ارگانی وابسته به گومیندان در آورده که مأسوریتش ساختن افکار عمومی ضد کمونیستی و تدارك جنگ داخلی است، بطوریکه رفیق دون بی او عضو کمونیست شورا مجبور شد بعنوان اعتراض از آن شورا

بیرون بیاید . این سه حمله خونین ضد کمونیستی طبق نقشه‌ای با فکر قبلی بوسیله گومیندان صورت گرفته است . ما میپرسیم : اگر این " تخریب مقاومت " نیست پس چیست ؟

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین روز ۲۲ سپتامبر بیست و ششمین سال جمهوری ( ۱۹۳۷ ) اظهاریه‌ای انتشار داده ، همه را به وحدت ساعی در راه نجات میهن دعوت کرد . ما در آنجا چنین گفتیم : " برای آنکه هرگونه بهانه‌ای از دست دشمن در دسائشش گرفته شود و برای آنکه هرگونه سوء تفاهمی از اشخاص بدگمان ولی صاحب حسن نیت رفع گردد کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ضروری میداند که فداکاری کامل خود را نسبت بآرمان نجات ملی از نو تأیید کند و باین منظور بار دیگر رسماً در برابر قاطبه ملت اعلام میدارد : ۱ - سه اصل خلق که آورده دکتر سون یاتسن میباشد ، امروز برای چین ضروری است و حزب ما آماده است به‌خاطر تحقق کامل آن مبارزه کند ؛ ۲ - ما به سیاست قیام که هدفش سرنگون ساختن حکومت گومیندان است و به سیاست مصادره اجباری اراضی سالکان ارضی پایان خواهیم داد ؛ ۳ - ما حکومت سرخ فعلی را تجدید سازمان خواهیم کرد و بصورت حکومت دموکراتیک منطقه ویژه در خواهیم آورد باین امید که حکومت در سراسر کشور وحدت یابد ؛ ۴ - ارتش سرخ نام و نمره گذاری خود را عوض خواهد کرد و بصورت واحدهای ارتش انقلابی ملی تجدید سازمان خواهد یافت ، تحت فرمان شورای نظامی دولت ملی قرار خواهد گرفت و منتظر فرمان خواهد بود که به جبهه مقاومت پیوندد تا در آنجا وظیفه خویش را انجام دهد . "

ما این چهار تعهد را تمام و کمال نگهداشتیم . نه آقای چانگ‌ایشک

و نه هیچ فرد دیگری از گویندگان نمیتواند تعهدی را نام برد که ما اجرا نکرده باشیم . اولاً تدابیر سیاسی که حزب کمونیست در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و در پایگاههای ضد ژاپنی پشت جبهه دشمن بکار برده همگی با سه اصل خلق که آورده سون یاتسن میباشد مطابق است . هیچیک مخالف آن نیست . ثانیاً بشرط آنکه گویندگان در برابر دشمن ملت تسلیم نشود ، همکاری با حزب کمونیست را قطع نکند و جنگ داخلی ضد کمونیستی برنیزد ، ما بقول خویش وفا خواهیم کرد که بزور حکومت گویندگان را سرنگون نسازیم و اراضی مالکان ارضی را مصادره نکنیم . ما باین تعهد در گذشته وفا کردیم ، امروز وفا میکنیم و در آینده نیز وفا خواهیم کرد . بعبارت دیگر ما به نقض تعهدات خود مجبور نخواهیم شد مگر آنکه گویندگان در برابر دشمن تسلیم شود ، همکاری با ما را قطع کند و جنگ داخلی را برانگیزد . اینها یگانه شرایطی است که وفای بعهد را بر ما غیرممکن میسازد . ثالثاً حکومت سرخ از همان سال اول جنگ مقاومت تجدید سازمان یافت و مدتهاست که رژیم دموکراتیک مبتنی بر "سیستم سه ثلث" بوجود آمده است . ولی تا امروز گویندگان نه فقط منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را بر خلاف وعده خود برسمیت شناخته بلکه ما را به ایجاد "تیول فتودالی" متهم ساخته است . آقای چانکایشک و آقایان اعضای گویندگان ! اگر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و پایگاههای ضد ژاپنی هنوز از طرف دولت گویندگان برسمیت شناخته نشدهاند ، اگر این وضعی که شما "تیول" میناسید وجود دارد ، باید بدانید که وجودش بهیچوجه وابسته به اراده ما نیست بلکه فقط وابسته بآن است که شما آنرا بما تحمیل کردهاید . وقتیکه شما خودتان با نقض قول خویش از برسمیت

شناختن این ناحیه امتناع میورزید و از برسمیت شناختن رژیم دموکراتیک آن سرباز میزنید در آن صورت با کدام دلیل معتبری ما را به ایجاد "تیول" متهم میسازید؟ ما هر روز این برسمیت شناختن را میطلبیم و شما پیوسته از آن امتناع میورزید، پس مسئول وضع موجود کیست؟ آقای چانگایشک، رئیس گومیندان و رئیس دولت این حزب، بچه دلیل در کتاب خودش موسوم به «سرنوشت چین» به دشنام گوئی بر این "تیول" میپردازد بدون آنکه خود را در مورد اوضاع فعلی بهیچوجه مسئول بشمارد؟ اینک که وی در یازدهمین پلنوم مجدداً خواسته است که ما به تعهد خویش وفا کنیم ما با استفاده از این فرصت از وی میخواهیم که به تعهد خویش وفا کند: بموجب تصویب نامه ای منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را که مدتهاست اصل دموکراسی در آنجا تحقق یافته و همچنین پایگاههای دموکراتیک ضد ژاپنی را در پشت جبهه دشمن برسمیت شناسد، اگر شما در سیاست برسمیت نشناختن اصرار ورزید بان معناست که میخواهید ما این "تیول" را نگهداریم، و مسئولیت مانند گذشته کاملاً بر عهده شما خواهد افتاد نه بر عهده ما. رابعاً مدت مدیدی است که ارتش سرخ "نام و نمره گذاری" خود را عوض کرده، "تجدید سازمان یافته و بصورت واحدهای ارتش انقلابی ملی در آمده" و "تحت فرمان شورای نظامی دولت ملی قرار گرفته است". پس تعهد ما مدتهاست که عملی شده است. اکنون فقط ارتش چهارم جدید ارتش انقلابی ملی مستقیماً تابع کمیته مرکزی حزب کمونیست میباشد نه شورای نظامی دولت ملی. و دلیل واضح این امر اینست که این شورا در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۱ فرمانی ضد انقلابی در جهت تخریب مقاومت و بمخاطره افکندن کشور صادر کرد که "انحلال"

ارتش مذکور را بعنوان ارتش "یاغی" اعلام میداشت و باین طریق آنها در معرض حملات پی در پی سپاهیان گویندگان قرار میداد. با وجود این ارتش چهارم جدید هرگز از مقاومت در برابر تجاوزکاران ژاپنی در چین مرکزی باز نایستاده و همیشه سه تعهد نخستین از چهار تعهدی را که ما پذیرفته‌ایم انجام داده‌است، و حاضر است که دوباره "تحت فرمان شورای نظامی دولت ملی" قرار گیرد و از آقای چانگ‌کیشک می‌خواهد که فرمان انحلال را ملغی گرداند، نمره سابق را مجدداً باو بدهد و بگذارد که او تعهد چهارم را بانجام رساند.

بعلاوه سند مربوط به حزب کمونیست که در یازدهمین پلنوم بتصویب رسیده چنین حاکی است: "در مورد سایر مسائل میتوان همه آنها را در مجلس ملی بمنظور بحث و حل آنها مطرح ساخت، زیرا که پلنوم ما تصمیم گرفته است که در عرض يك سال پس از پایان جنگ مجلس ملی دعوت شود و قانون اساسی تنظیم گردد و بتصویب رسد." "سایر مسائل" که در اینجا یاد شده عبارتست از الغاء دیکتاتوری گویندگان، برانداختن دوائر مخفی فاشیستی، برقراری دموکراسی در سراسر کشور، برداشتن نظارت اقتصادی، مالیات‌های گزاف و عوارض متنوعی که به شرایط زندگی خلق لطمه می‌زنند، اجرای سیاست ارضی مبتنی بر تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود در سراسر کشور و همچنین سیاست اقتصادی مبتنی بر پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط و بهبود شرایط مادی کارگران. حزب ما در اظهاریه خود سوره ۲۲ سپتامبر ۱۹۳۷ که همگان را به وحدت ساعی در راه نجات میهن فرا خواند چنین گفت: "باید باستقرار دموکراسی پرداخت و مجلس ملی را دعوت کرد تا قانون اساسی را تنظیم و سیاست نجات میهن را تعیین کند. برای آنکه خلق چین بتواند در شادمانی



و سعادت زیست کند ، باید در مرحله اول باتخاذ تدابیری دست زد که باسیب دیدگان از بلیات طبیعی کمک مؤثر شود ، به هر کس وسائل ثابتی برای زندگی داده شود ، اقتصاد بخاطر دفاع ملی گسترش یابد ، رنجهای خلق تسکین پذیرد و شرایط حیاتش بهتر گردد . " چون آقای چانکایشک یک روز پس از این اظهاریه ( در ۲۳ سپتامبر ) در مصاحبه‌ای تأیید کرد که تمام آنها میپذیرد ، وی نه فقط باید اجرای چهار تعهد مذکور در اظهاریه را از حزب کمونیست بخواهد بلکه باید عملی ساختن تدابیری را که ما یادآور شدیم از خودش ، از گومیندان و از حکومت گومیندان مطالبه کند . امروز آقای چانکایشک فقط رئیس گومیندان نیست بلکه رئیس جمهور دولت گومیندان ( موسوم به دولت ملی ) نیز است . از اینجهت وظیفه اوست که این تدابیر مربوط به دموکراسی و رفاه خلق را جداً بموقع اجرا درآورد ، بوعده‌های بیشماری که خود او بما کمونیستها و همچنین به قاطبه خلق داده است وفا کند . وی باید از پیمان شکنی ، از توسل عنودانه به شیوه‌های زورگویانه ، از دوگانگی گفتار و کردار خویش دست بردارد . ما کمونیستها و قاطبه خلق خواستار عمل هستیم و به ژاژخانی‌های مردم‌فریب گوش نمیدهیم . اگر عمل در کار باشد تهنیت میگوئیم ؛ اگر فقط ژاژخانی است نمیتوان اشخاص را تا مدت مدیدی فریفت . اینهاست مطالبات ما از آقای چانکایشک و گومیندان : پایان بردن جنگ مقاوت و رفع خطر تسلیم ، ادامه همکاری و جلوگیری از خطر جنگ داخلی ، برسمیت شناختن رژیم دموکراتیک منطقه مرزی و پایگاههای ضد ژاپنی که در پشت جبهه دشمن برقرار است ، ابقاء ارتش چهارم جدید ، خاتمه دادن به کارزارهای ضد کمونیستی ، فراخواندن ارتشی . . . . تا . . . . نفری که منطقه مرزی شنسی -

گان سو - نین میا را در محاصره گرفته‌اند ، ترك این شیوه که از شورای میاسی ملی بعنوان ارگان وابسته به گویندگان و سازنده افکار عمومی ضد کمونیستی استفاده شود ، رفع منع آزادی کلام ، آزادی اجتماعات و جمعیت‌ها و الغای دیکتاتوری حزب واحد یعنی گویندگان ، تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود ، بهبود بخشیدن بشرایط زندگی کارگران و پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط ، برانداختن دوائر مخفی ، پایان دادن به آموزشی که تحت نظارت عمال مخفی قرار دارد و بر پا ساختن سیستم تعلیمات دموکراتیک . اکثر این مطالبات مطابق وعده‌های خود شما نیز هست . اگر شما بپذیرید که این مطالبات را برآورده سازید و بقول خود وفا کنید بشما اطمینان می‌دهیم که ما قول خود را نگه خواهیم داشت . اگر آقای چانکایشک و گویندگان مایل باشند ما در هر لحظه حاضریم که مذاکرات میان دو حزب را از سر بگیریم .

بطور خلاصه ، از سه راهی که در برابر گویندگان است راه نخستین یعنی راه تسلیم و جنگ داخلی با مرگ چانکایشک و گویندگان برابر است . در باطن به دیکتاتوری فاشیستی علاقه‌مند ماندن و محرمانه در تدارک جنگ داخلی شتاب ورزیدن و در عین حال بوسیله ژانرهای مردم‌فریب به دفع‌الوقت پرداختن عبارتست از راه دوم که آن نیز آقای چانکایشک و گویندگان را نجات نخواهد داد . فقط راه سوم یعنی اعراض کامل از راه خطای دیکتاتوری فاشیستی و جنگ داخلی و قبول راه صواب دموکراسی و همکاری باعث نجات آنها خواهد بود . اما تا امروز هیچ گواه قانع‌کننده‌ای در دست نیست که آنها نیت پیمودن چنین راه سومی در سر دارند . پس لازم است که قاطبه خلق در برابر خطر بسیار خطیر تسلیم و جنگ داخلی همچنان هشیار بماند .

کلیه گومیندانی‌های میهن پرست باید متحد شوند تا مقامات گومیندان را از پیمودن راه اول باز دارند ، نگذارند که بیش از این در راه دوم به پیش روند ، و بطلبند که براه سوم رهسپار گردند .

کلیه احزاب و گروه‌ها و مردم میهن پرست که در برابر ژاپن بمقاومت برخاسته‌اند باید متحد شوند تا مقامات گومیندان را از پیمودن راه اول باز دارند ، نگذارند که بیش از این در راه دوم به پیش روند ، و بطلبند که براه سوم رهسپار گردند .

تحویلی که از لحاظ دامن‌هاش بیسابقه است در جهان بزودی فرا میرسد . ما امیدواریم که آقای چانگ‌کایسک و اعضاء گومیندان در این لحظه عطف بزرگ تاریخ بتوانند روش بایسته‌ای داشته باشند ، و همین امید را در مورد همه احزاب و گروه‌های میهن پرست و همه میهن پرستان داریم .

### یادداشتها

۱ - اشاره است به ژنرالها و افسران که در آکادمی نظامی حوان پو درس داده و یا درس خوانده بودند . آنها در ارتش گومیندان گروه فداکار چانگ‌کایسک را تشکیل میدادند .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## متشکل شوید!

( ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ )

کمیته مرکزی حزب کمونیست امروز بافتخار زنان و مردان قهرمان کار و کارمندان نمونه در امر تولید که از طرف توده‌های دهقان ، کارخانه‌ها ، نیروهای مسلح ، ارگانها و مدارس منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا معین شده‌اند ضیافتی ترتیب داده است . من میخواهم باین سناسبت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست سخنی چند بگویم . این سخنان در این جمله خلاصه میشود : " متشکل شوید ! " امسال طبق تصمیمات کنفرانس کادرهای بالا که بوروی کمیته مرکزی در شمال غربی در زمستان گذشته دعوت کرده بود جنبشی بمنظور تولید در میان توده‌های دهقان ، در میان ارتش ، ارگانها ، مدارس و کارخانه‌های منطقه مرزی در گرفت . در طی امسال کامیابیهای مهم و پیشرفتهای بزرگی در کلیه زمینه‌های تولید بدست آوردیم و منطقه مرزی ما چهره تازه‌ای یافت . صحت سیاستی که در این کنفرانس معین شده و نکته اصلیش عبارتست از بتشکل ساختن توده‌ها یعنی بسیج حتی الامکان و بدون استثنای کلیه نیروهای موجود در میان اهالی ، ارتش ، ارگانها و مدارس اعم از زن و مرد ، پیر و جوان

---

متن حاضر سخنرانی رفیق مائو تسه دون در ضیافتی است که بافتخار قهرمانان کار در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا ترتیب داده شده بود .

که کاملاً ویا قسماً قدرت کار داشته باشند ، و در آوردن آنها بصورت ارتش کار ، از طرف واقعیات کاملاً تأیید شد . ما دارای يك ارتش جنگاور و يك ارتش کار هستیم . ارتش جنگاور ما مرکب از ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید باید در راه دو وظیفه بکار رود : جنگاوری و تولید . ما با داشتن دو ارتش که یکی از آنها ارتش جنگاور است که قادر بایفاء این دو وظیفه میباشد و بعلاوه میتواند در میان توده‌ها کار کند خواهیم توانست بر دشواریهای خویش فائق آئیم و امپریالیسم ژاپن را از پای در آوریم . از این حیث اگر کامیابیهای جنبش تولید ما در منطقه مرزی در سالهای قبل بان اندازه مهم و محسوس نبود که قانع کننده باشد در عرض اسال همانطور که در برابر چشم همگان قرار دارد کاملاً قانع کننده است .

اسال کلیه واحدهای ارتش در منطقه مرزی که زمین در اختیار دارند توانسته‌اند خودشان بطور متوسط هر نفر هجده مو (۱) کشت کنند و عملاً توانسته‌اند خودشان همه چیز بار بیاورند و همه کار بکنند از قبیل : خوراک مانند میزی ، گوشت و روغن خوراکی ؛ پوشاک مانند لباس پنبه‌ای ، کشفاف پشمی ، کفش و جوراب ؛ منازل و عمارات مانند غار مسکونی ، خانه و سالن جلسه ؛ اشیاء مورد نیاز جاری مانند میز ، صندلی ، نیمکت ، کاغذ ، قلم مو و مرکب ؛ سوخت مانند چوب ، زغال چوب و زغال سنگ . ما از این طریق که خود بکار پرداخته‌ایم توانسته‌ایم پوشاک و خوراک را بمقیاس وسیع تهیه کنیم . هر جنگاوری فقط باید سه ماه از سال در کار تولید شرکت جوید و بقیه اوقات را در راه تمرین و عملیات نظامی بگذراند . سپاهیان ما در امور معاش خود نه وابسته به دولت گویندگانند ، نه وابسته به دولت منطقه مرزی و نه وابسته به

اهالی ، خودشان نیازمندیهای خویش را برآورده میسازند . و این موضوع در امر نجات ملی ما چه ابتکار مهمی است ! در عرض شش سال و نیم که جنگ مقاومت ادامه دارد دشمن در پایگاههای ضد ژاپنی باعمال سیاست " پاك سوزاندن ، پاك كشتن و پاك غارت كردن " دست زده ، منطقه مرزی شنسی - گن سو - نین سیا از طرف گومیندان در محاصره شدید گذاشته شده است و ما در وضعیت مالی و اقتصادی بسیار دشوار افتاده ایم ؛ اگر ارتش ما فقط برای جنگ خوب بود ، ما نمیتوانستیم خود را از این وضعیت بیرون بکشیم . ولی اکنون سپاهیان ما در منطقه مرزی تولید را یاد گرفته اند ؛ در جبهه نیز بخشی از سپاهیان ما آنها را یاد گرفته اند و بخشهای دیگر پیاد گرفتن پرداخته اند . اگر در ارتشهای قهرمان و گرانمایه ما یعنی ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید ، هر نفر بتواند نه فقط بجنگد و در میان توده ها کار کند بلکه فعالیت تولیدی نیز داشته باشد ، دیگر ما از هیچ دشواری پاك نخواهیم داشت و بقول منسیوس " کسی را در زیر آسمان یارای غلبه بر ما نخواهد بود " . (۲) دستگاهها و مدارس ما نیز امسال گام بلندی به پیش برداشته اند ؛ فقط بخش کوچکی از مخارج آنها را دولت پرداخته و بخش اعظم مخارج از راه تولید خود آنها بدست آمده است ؛ اگر در سال گذشته خودشان . ۵ درصد نیازمندی خویش را از حیث سبزی برآورده میساختند ، امسال صد درصد آنها برآورده ساخته اند ؛ آنها توانسته اند با پرورش خوك و گوسفند مصرف گوشت خود را خیلی بالا برند ؛ آنها تعداد کثیری کارگاه برای ساختن کالاهای مصرفی جاری دائر کرده اند . چون ارتش ، دستگاهها و مدارس خودشان تمام یا قسمت اعظم نیازمندیهای مادی خویش را تأمین میکنند سهمی که بشکل مالیات از اهالی مطالبه میشود کاهش یافته و این امر موجب شده

است که اهالی بخش بیشتری از ثمرات کار خویش برخوردار شوند . چون ارتش و اهالی هر دو به توسعه تولید میپردازند موفق شده‌اند که پوشاک و خوراک را بمقیاس وسیع تأمین کنند و این امر موجب خشنودی همگان گردیده است . بعلاوه در کارخانه‌های با تولید توسعه یافته ، عمال مخفی فاش شده‌اند و ثمربخشی کار افزایش بسیار پذیرفته است . در سراسر سرزمین منطقه مرزی با تعداد کثیری قهرمان کار در کشاورزی و صنعت ، در دستگاهها و مدارس و همچنین در ارتش بظهور رسیده‌اند . میتوان گفت که تولید در آنجا در راه درست سیر میکند . همه اینها ناشی از تشکل نیروهائی است که در درون توده‌ها نهفته است .

تشکل نیروهای توده‌ها سیاستی است . آیا سیاست مخالف آن نیز وجود دارد ؟ آری وجود دارد ، و عبارتست از سیاستی که نقطه نظر توده‌ای ندارد ، بر روی توده‌ها تکیه نمیکند و یا آنها را متشکل نمیسازد و در حالیکه به تشکل توده‌های وسیع روستا ، نیروهای مسلح ، دستگاهها ، مدارس و کارخانه‌ها توجهی نمیکند فقط به تشکل افراد معدودی که در دوائر مالی ، تدارکات و بازرگانی مشغول کاراند میپردازد ؛ سیاست مذکور کار اقتصادی را بمنزله جنبش وسیع ویا جنبه وسیع مبارزه در نظر نمیگیرد بلکه آنرا فقط بمنزله چاره‌ای برای پر کردن کمبودهای منابع مالی تلقی میکند . اینست آن سیاست مخالف ، آن سیاست خطا . سیاست مذکور سابقاً در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بکار میرفت ولی پس از سالها که در اصلاح آن کوشیده شد و بویژه در اثر کنفرانس کادرهای بالا که سال گذشته تشکیل گردید و در اثر جنبش توده‌ای امسال ، ظاهراً فقط عده بسیار قلیلی طرفدار آنند . در پایگاههای ما در چین شمالی و مرکزی که نبردهای شدیدی در آنجا بوقوع میپیوندد و ارگانهای



رهبری به جنبش تولید در میان توده‌ها توجه کافی معطوف نداشته‌اند این جنبش هنوز وسعت بسیار نیافته است . اما از آن زمان که کمیته مرکزی رهنمود ۱ اکتبر گذشته (۳) را صادر کرده است در همه جا آماده میشوند که سال آینده به جنبش تولید دست بزنند . شرایط مناطق جبهه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا دشوارتر است : نبردهای سختی در آنجا میگذرد و بلیات طبیعی عظیم بر برخی از نواحی وارد شده است . یگانه راه ادامه جنگ ، مقابله با سیاست دشمن مبنی بر " پاک سوزاندن ، پاک کشتن و پاک غارت کردن " و یاری رساندن به آسیب‌دیدگان از بلیات طبیعی عبارتست از بسیج کامل حزب ، دولت ، ارتش و مردم غیر نظامی برای نبرد با دشمن و برای فعالیت تولیدی . با تجربه‌ای که در سالهای اخیر در جبهه در امر تولید بدست آمده و با تدارکی که در زمستان امسال در زمینه ایدئولوژیک و سازمانی و همچنین در زمینه مادی شروع شده است سال آینده وسعت بیشتری باین جنبش میتوان داد ، و باید داد . در مناطق جبهه که جنگ ادامه دارد ما هنوز نمیتوانیم به " تأمین پوشاک و خوراک بمقیاس وسیع " نائل آئیم ولی کاملاً میتوانیم " با دستان خود برای غلبه بر دشواری‌ها " بکار پردازیم و باید پردازیم . امروز در زمینه اقتصادی ، مهمترین شکل برای مشکل ساختن توده‌ها عبارتست از کثوپراتیو . اگرچه حتماً ضروری نیست که این اصطلاح بر کلیه فعالیت‌های تولیدی توده‌ها در ارتش ، در دستگاهها و در مدارس با اطلاق شود ولی فعالیت‌های مذکور جنبه کثوپراتیوی دارد ، زیرا که بوسیله کمک متقابل و کار مشترک و تحت رهبری ستمرکز صورت میگیرد و هدفش ارضاء نیازمندی‌های مادی هر اداره ، هر واحد و هر شخص است . پس در واقع سروکار ما با کثوپراتیو است .

هزاران سال است که در میان توده دهقانان اقتصاد انفرادی تسلط دارد ، هر خانواده ، هر خانوار يك واحد تولید است . این شکل تولید که انفرادی و پراکنده است پایه اقتصادی رژیم فئودالی است و دهقانان را در تمهیدستی همیشگی نگه میدارد . یگانه راه پایان دادن باین وضع عبارتست از اشتراکی کردن تدریجی ؛ و یگانه راهی که به اشتراکی کردن میانجسد ، بنابر گفتار لنین ، از کثوپراسیون میگذرد (۴) .

هم اکنون ما تعداد کثیری کثوپراتیو دهقانی در منطقه مرزی تشکیل داده ایم ، ولی هنوز شکل بدوی دارند ، فقط پس از چند مرحله از تکامل بشکل کثوپراتیوهائی از نوع کثوپراتیوهای شوروی که بنام کلخوز شناخته میشوند در خواهند آمد . اقتصاد ما اقتصاد دموکراسی نوین است . کثوپراتیوهای ما هنوز سازمانهای کار جمعی هستند که بر اساس اقتصاد انفرادی (بر اساس مالکیت خصوصی) مبتنی میباشند . کثوپراتیوهای ما چند شکل دارند . مظهر یکی از آنها را باید سازمانهای کمک متقابل برای کار کشاورزی دانست از قبیل ” گروههای مبادله کار ” و ” گروههای مبادله و استجاره کار ” (۵) ، این سازمانها را در مناطق سرخ جیان سی ” گروههای تعاونی ” ویا ” دسته های شخم زنی ” (۶) مینامیدند و اینک آنها را در برخی از مناطق جبهه ” گروههای کمک متقابل ” مینامند . همینکه سازمانهای جمعی کمک متقابل بوجود میآید که توده ها آزادانه ( و در هیچ حالی نه تحت اجبار ) بآنها میپیوندند بهر نامیکه باشد خوبست ؛ این سهم نیست که سازمانهای مذکور شامل بر چند ویا چند ده عضو و حتی صدها عضو باشد ، فقط شامل بر اشخاصی باشد که کاملاً قدرت کار دارند ویا اشخاصی که قسماً قدرت کار دارند ، این سهم نیست که این کمک متقابل بشکل کمک نیروی کار ، کمک نیروی حیوانی

و یا کمک بوسیله افزار کار صورت گیرد ، این مهم نیست که اعضای آنها در فصل کارهای بزرگ در زیر يك سقف غذا بخورند و بخوابند و یا نه ، این مهم نیست که این سازمانها جنبه موقت یا دائم داشته باشد . این شیوه‌های کمک متقابل جمعی ، ابتکار خود توده‌ها است . ما سابقاً تجارسی را که توده‌ها در جیان سی بدست آورده‌اند جمع‌بندی کردیم ، و اینک همین کار را در مورد شنسی شمالی انجام می‌دهیم . در منطقه مرزی ، از سال گذشته که کمک متقابل در کار از طرف کنفرانس کادرهای بالا مورد تشویق قرار گرفته و در طی تمام سال جاری عملی شده بصورت بمراتب منظم‌تر و وسیع‌تری در آمده است . اسال بسیاری از گروه‌های سیاده کار در منطقه مرزی بطور جمعی به شخم زدن ، بذر افشاندن ، وجین کردن و درو کردن پرداختند و حاصلی دو برابر سال گذشته بدست آوردند . اینک که توده‌ها مشاهده کرده‌اند که نتایج حاصله تا چه اندازه سهم است مسلماً در سال آینده اشخاص بیشتری بقبول این سیستم روی خواهند نهاد . ما انتظار نداریم که صدها هزار مردم منطقه مرزی که کاملاً یا قسماً قدرت کار دارند فقط در عرض يك سال در کثوپراتیوها مشکل گردند اما در عرض چند سال میتوان باین منظور نائل آمد . باید تمام زنان را نیز بسیج کرد که تا حدودی در تولید شرکت جویند . ما باید کلیه تن‌پروران را آموزشی تازه بدهیم ، آنان را در تولید شریک سازیم و باین طریق از آنان هموطنان خوبی پروریم . باید بمقیاس وسیع در کلیه پایگاههای ضد ژاپنی در چین شمالی و مرکزی با داوطلبی توده‌ها کثوپراتیوهای تولید بر اساس کمک متقابل جمعی بوجود آورد .

علاوه بر کثوپراتیوهای کشاورزی تولید که بر اساس کمک متقابل جمعی بر پا میشود ، سه نوع دیگر کثوپراتیو وجود دارد : کثوپراتیو

مختلط مانند کثوپراتیو ناحیه جنوب ین ان که در عین حال کثوپراتیو تولید و مصرف و حمل و نقل (حمل و نقل نمک) و اعتبارات است ، کثوپراتیو حمل و نقل (گروه‌های حمل نمک) ، و کثوپراتیو پیشه‌وری .

با این چهار نوع کثوپراتیو که بدست توده‌ها ایجاد شده و همچنین با کثوپراتیوهائی که در ارتش ، در دستگاهها و در مدارس بر اساس کار جمعی بر پا گردیده است ما میتوانیم کلیه نیروهای خلق را بصورت ارتش عظیم کار متشکل سازیم . این یگانه راهی است که توده‌های خلق برای آزاد شدن ، برای گذار از فقر به فراوانی و همچنین برای پیروزی در جنگ مقاومت میتوانند بپیمایند . هر کمونیست باید سازمان دادن کار توده‌ها را بیاموزد . کمونیستهای که از منشاء روشن فکری هستند نیز مسلماً باید آنرا بیاموزند ؛ اگر مصمم باشند در عرض شش ماه تا یک سال موفق خواهند شد . آنها میتوانند به توده‌ها در سازمان دادن تولید و ترازبندی تجربه آنان یاری برسانند . آنگاه که رفقای ما ، علاوه بر کاردانی‌های دیگر ، فن سازمان دادن کار توده‌ها را کسب کنند یعنی بیاموزند که بدهقانان در تنظیم نقشه تولید هر خانوار یاری برسانند ، گروه‌های مبادله کار ، گروه‌های حمل نمک و کثوپراتیوهای مختلط تشکیل دهند ، تولید را در ارتش ، در دستگاهها ، در مدارس و کارخانه‌ها سازمان بخشند ، مسابقه در تولید را سازمان بخشند ، قهرمانان کار را تشویق کنند و پاداش دهند ، نمایشگاههای تولید بر پا سازند ، فعالیت و ابتکار آفریننده توده‌ها را بگسترند ، مسلماً ما خواهیم توانست اسپریالیستهای ژاپنی را برانیم و چین نوین را به‌مراه قاطبه خلق بسازیم .

ما کمونیستها باید در همه چیز میتوانیم با توده‌ها پیوند یابیم . آیا اعضای حزب ما اگر همه عمر در چهار دیوار ، در پناه از توفان‌ها

و برکنار از جهان بسر برند خواهند توانست در هیچ اصری برای خلق چین سودمند باشند ؟ نه ، مطلقاً نه . ما باین گونه اشخاص بعنوان عضو حزب احتیاج نداریم . ما کمونیستها باید در توفانها کار آزموده شویم و خود را در جهان افکنیم ، در توفانهای عظیم و جهان سترگ مبارزه تودهها . ” سه پینه دوز ساده يك جوگه لیان (۷) هستند ” بآن معنی است که نیروهای آفریننده عظیمی در تودهها خوابیده است . در واقع هزاران و هزاران ” جوگه لیان ” در میان خلق چین هستند . در هر دهی و در هر قریه ای جوگه لیانی هست . ما باید بدرون تودهها برویم ، در مکتب آنان بیاسوزیم ، تجربه آنان را تعمیم دهیم ، اصول و اسلوبهای بهتر و دقیق تر را استخراج کنیم ، سپس آنها را به تودهها منتقل سازیم (از طریق تبلیغات) ، تودهها را فراخوانیم که در حل مسایل خویش از آنها پیروی کنند تا برهائی و سعادت نایل آیند . اگر رفقای ما که در محلها کار میکنند از تودهها جدا باشند ، اگر احساسات آنها را ندانند ، اگر بانها در سازمان دادن تولید و بهتر کردن شرایط زندگی یاری نرسانند ، اگر به جمع آوری ” غله عمومی برای نجات میهن ” اکتفا ورزند — بدون آنکه دریابند که يك دهم نیروهایشان برای این وظیفه کافی است ، مشروط بر آنکه قبلاً نه دهم دیگر را به کمک بتودهها در حل مسئله ” غله خصوصی برای نجات خلق ” اختصاص دهند — این بآن معنی است که سبك کار گومیندان بانان سرایت کرده و غبار بوروکراسی بر آنان نشسته است . گومیندان کار دیگری نمیدانند جز اینکه از خلق مالیات بگیرد و هیچ چیز بخلق نمیدهد . اگر کمونیستی بهمین طریق عمل کند میرساند که سبك کارش سبك کار گومیندان است ، چهره اش از قشری از غبار بوروکراسی پوشیده شده و محتاج آنست که با آب روان شستشو کند .

من تصور میکنم که این سبک بوروکراتیک در کلیه پایگاههای ضد ژاپنی در کار محلی وجود دارد و در همه جا رقائی هستند که نقطه نظر توده‌ای ندارند و از توده‌ها بریده شده‌اند. اگر ما میخواهیم با توده‌ها پیوند نزدیک داشته باشیم باید مصممانه از این سبک کار بپریم.

بعلاوه در کار ما در درون ارتش منش میلیتاریستی وجود دارد. این نیز منش گویندگان میباشد که ارتشش از توده‌ها جدا شده است. سپاهیان ما باید اصول صحیحی را که در مناسبات میان ارتش با خلق، با حکومت و با حزب، در مناسبات میان افسران و سربازان، میان کار نظامی و کار سیاسی، در مناسبات میان کادرها حکمفرماست مراعات کنند، هرگز نباید دچار منش میلیتاریستی گردند. افسران باید نفرات خود را دوست بدانند، نسبت بآنها بی‌توجه نباشند، به تشبیه بدنی آنها دست نزنند؛ ارتش باید خلق را دوست داشته باشد و بمصالح وی زیان نرساند؛ ارتش باید حکومت و حزب را محترم بدارد و ادعای "استقلال" نکند. ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید با نیروهای مسلح خلق‌اند، پیوسته عالیقدر بوده و هستند، بهترین سپاهیان کشوراند. اما این حقیقت است که در طی سالهای اخیر یک نوع منش میلیتاریستی بظهور رسیده است و برخی از رقائی که در ارتش کار میکنند غره شده‌اند و نسبت به سربازان، به خلق، به دولت و به حزب رفتاری خودکامانه دارند. اینان مسئولیت هر کار ننگ را به عهده رقائی که در محلها کار میکنند می‌اندازند و خود را مبرا از هر سرزنشی مینندارند، فقط موفقیت‌های خویش را میبینند و در دیدن نقایص خویش نایبایند، فقط مدح و ثنا را دوست دارند و هیچ انتقادی را تحمل نمیکند. این گونه موارد را مثلاً میتوان در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا مشاهده کرد.